ضمیمه روزنامه خراسان
•پنج‌شنبه•اول آذر ۱۳۹۷•شماره ۱۱۹۲

حدیث روز

حضرت علی(ع): خداوند آفریده ای بهتر از محمد(ص) نیافریده است. **الکافی**

ذکر روز پنج شنبه
صد مرتبه «لا اله الا... الملک الحق المبین»
ذکر روز جمعه
صد مرتبه «اللهم صل علی محمد و آل محمد»

در محضر بزرگان

پیامبر(ص) از دید علی(ع)

مرحوم علامه جعفری توصیفات بسیار عالی درباره پیامبر اکرم(ص) در کلام امیرالمؤمنین(ع) را این گونه بیان می کند:

وسیله انجام یافتن وعده خداوندی که عبارت است از ارسال پیامبران برای هدایت مردم. اتمام کننده نبوّت و ختم رسالت با آوردن دین جاودانی اسلام. خداوند میثاق بعثت او را بر همه عالمیان و آوردن دین جاوید، از همه پیامبران گرفته بود. علامات طبیعی و روحی او در کتاب‌های آسمانی و در معلومات اهل ذکر مشهور بوده است. میلاد او با کرامت بود، یعنی با نظر به سلسله پدران و مادران آن حضرت، هیچ فردی از چنان سلسله شریف با آن شرایط با عظمت به دنیا نیامده بود.

برگرفته از یادداشت‌ها
خبر آنلاین

بریده کتاب

مادر همیشه هست

تا امروز هرگز نتوانسته‌ام جواب این سوال مادرم را بدهم. او روزهای آخر عمرش از من پرسید: «اگر دیگر چیزی به یاد نیاورم، می توانم بگویم که در این دنیا حضور دارم؟» سوالش همیشه با من ماند... کاش امروز این جا بود و به او می گفتم: «مهم نیست تو چیزی به خاطر داشته باشی؛ اگر کسی، حتی یک نفر، نام تو را به یاد داشته باشد و آن را با عشق تکرار کند، یعنی تو در این دنیا حضور داری...»

برگرفته از «عشق هرگز فراموش نمی کند»
اثر سالی هپ‌ورث

قرار مدار

اندکی صبر

هیچ گلی... دلی

فریدون ناصرخانی کرمانشاهی

دلی شکسته
بر شاخه ای شکسته بسته
باد می وزد، جهان را نگاه کن
هیچ گلی در گلدان نیست
و هیچ دلی در سایه سار...

فتو شعر انتظار

با خانمان

چیز دیگه نبود سرما خوردی؟

زهرا فرنیا |طنزپرداز

تا حالا شده سرما بخورین؟ شاید بگین: «پ ن پ، نشده! فقط تو سرما خوردی!» ولی واقعا آدم وقتی درگیر این بیماری خفیف اما شدید می شه، فکر می کنه جز خودش هیشکی توی جهان درگیر این مرض نیست. جز خودش هیشکی با یه سوراخ دماغ مجبور نشده نفس بکشه. (که همونم آدم با دهن نفس بکشه بهتره. نخواستیم!) به جز اون هیشکی سر کلاس جلوی استاد و همکلاسی هاش فرت و فرت مجبور نیست دماغش رو بکشه بالا. (دماغ بده؟ باشه همون بینی شما با کلاسا! دماغ رو بالا می کشن. بینی رو عمل می کنن.) به خصوص همکلاسی های جنس مخالف که جا داره اشاره ای بکنیم به مبحث شیرین ازدواج و کیس های ازدواجی بالقوه در کلاس. (اگه اینو نمی گفتم باید چک می کردین ستون رو اشتباه نیومده باشین)

برعکس ماماناتب داری، بدن درد داری، صدات درنمیاد، نمی تونی جلوشون یه آخ بگی، چون محکومی به نازنازی بودن. اما همین رفتار از پسر عزیزشون اگه سر بزنه چی؟ با سوپ و فرنی و دکتر فوق تخصص سرماخوردگی و شربت آبلیمو عسل ازشون پذیرایی می شه. (البته لازم به ذکره که من برادر ندارم و مامانم به من و خواهرام به یه اندازه محل نمی ده!)

هچه! بله عطسه تنها دلخوشی یک سرماخورده است که بینی رو برای کسری از ثانیه باز می کنه. (من داخل تاکسی بودم و به این جای مطلب که رسیدم عطسه کردم. راننده سفت زد رو ترمز و گفت: «خانم صبر اومد» و منم دستم خورد و تمام مطلب پاک شد. الان دارم دوباره می نویسمش. هیچ‌وقت این موضوع رو این جوری درک نکرده بودم. سه ساعت منتظر دومین عطسه من برای حرکت بودیم)

هچه! خب الان که عطسه دوم رو کردم، مطلب رو ادامه می دم! نکته قلب شکان سرماخوردگی، تعداد سرماخوردگی های یک فرد در واحد زمانه. مثلا دو هفته از پاییز می گذره و عین اینایی که بدنشون از نقره‌ست، سرتو بالا می گیری که «امسال من سرما نخوردم!» این حرف رو هیچ‌وقت نزنین چون همین جا انواع ویروس ها دستاشون رو بهم می مالن و می گن: «اووم. چطوره الان سرما بخوری؟» و با همین فرمون من سه بار امسال سرما خوردم! مطلب رو هم با شوخی بسیار بامزه اطرافیان در مواجهه با یه فرد سرماخورده به پایان می رسونم: «عههه! سرماخوردی؟ چیز دیگه نبود بخوری؟» قاه‌قاه‌قاه

شعر طنز

برای کی روش و مدعیان «وفاق ملی»

امیرحسین خوش حال |شاعر و طنزپرداز

شمع دستت چراغ ملی نیست
باتو بودن وفاق ملی نیست
همه باید که حامی ات باشند؟
همه پاسوز خامی ات باشند؟
هرچه گویی جواب آن «چشم» است؟
پاسخت با مخالفان خشم است؟
اخم خود را تو باز کن قدری
دست خود را دراز کن قدری
تا ببینی که دست یاری هست
غیر بردن هم افتخاری هست
ما که همواره یاری ات کردیم
هی نگو ما لجوج و نامردیم
شکر ایزد رسانه هم داری
توی مشتت بهانه هم داری!
باخت را افتخار تو کردند
«جیغ» و «به به» نثار تو کردند
می کنی هی دفاع و می بازی
به کدامین نتیجه می نازی؟
ما که خود زخمی و پر از دردیم
سیخ کی لای چرخ تان کردیم؟
پس بیا بگذریم از این سخنان
همه هستیم عاشق ایران
بحث همکاری است؟ ما هستیم
صحبت از یاری است؟ ما هستیم
پس تو هم بعد از این رعایت کن
اول از آشتی حمایت کن
دور کن از خودت حواشی را
غر زدن، دشمنی تراشی را
تا ببینی کنار تو هستیم
مثل انگشت های یک دستیم

مسابقه این کیه

آه‌ای شرکت کنندگان عزیز...

سلام. این هفته یه چهره هنری داریم که چند روز پیش عکس گریم جدیدش منتشر شد که با ذهنیات قبلی مون ۱۸۰ درجه اختلاف داشت! عکس و کاریکاتوری رو هم که این جا می بینید، خانم زهرا ساقی برنده مسابقه قبلی هستن که دوباره بهشون تبریک میگیم.

یادآوری روش مسابقه: شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به هم ریخته کیه و اسمش رو با نام خودتون، به همراه کلمه «این کیه» تا شنبه شب برای ما به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک کنید. جواب رو همین جا خواهید دید و کاریکاتور برنده رو هفته بعد چاپ می کنیم.

دنیا به روایت تصویر

گاردین| مزرعه زعفران، یونان

سالنت‌نیوز| ساخت چترهای سنتی، میانمار

از اون لحاظ

گفت و گوی اختصاصی - خیالی با سردار آزمون

ما: سلام سردار، چرا دروازه خالی رو تو بازی با اونزوئلا گل نکردی؟
سردار: دروازه خالی نبود. یک گوشه اش دروازه بان بود خب!
ما: خب بالاخره دروازه بزرگه، فاصله هم نزدیک بود. دروازه بان هم اون طرف بود اولش.
سردار: چیه؟ دوست داری بگم اوسیانو کروز بیاد مثل اون یکی خبرنگاری که سوال های بی ربط می پرسید جواب تورو هم بده؟
ما: حالا سوال مون در اون حد هم جدی نیست. کروز روبی خیال. یه نقد دوستانه بود.
سردار: کاری نکنین دوباره از تیم ملی خداحافظی کنم دوباره بیفتین گیر اون گوچی.
ما: باشه، باشه. فقط مطمئن که کروز از نقد ما باخبر نمیشه؟
سردار: اتفاقا حتما بهش میگم. توهم هروقت تونستی از اون فاصله گل نکنی بیا از من انتقاد کن.
ما: راست میگی. از اون فاصله فقط کار خودته.
سردار: البته اینجوریام نیست، طارمی هم می تونه از اون فاصله بزنه بیرون. مهم اینه که عادل ما رو دوست داره. شما منتقدان بد هم برین رد کارتون. اصلاً قهر قهر...

تصویرسازی: سعید مرادی

ما و شما

*مامان صدیقه تولدت مبارک. الهی صد ساله شی. **معین، متین و رضا**
*همشهری سلام بری چی آب رفتی؟ چشمام نمی بینه بخوانمت! **فریبا مجاهدین**
*آذر جان خواهر خوبم تولدت مبارک باشد. **عمو مسعود، سعید و علیرضا و عمه نسرین، سوسن و مریم اباذریان**
*پویا جان از این که در رشته پزشکی قبول شدی افتخار می کنیم و برایت آرزوی موفقیت و سلامتی می کنیم. **عمو مسعود، سعید و علیرضا و عمه نسرین، سوسن و مریم اباذریان**

کله چغوکی

آق کمال هوس می کند

آق کمال |همه کاره و هیچ کاره
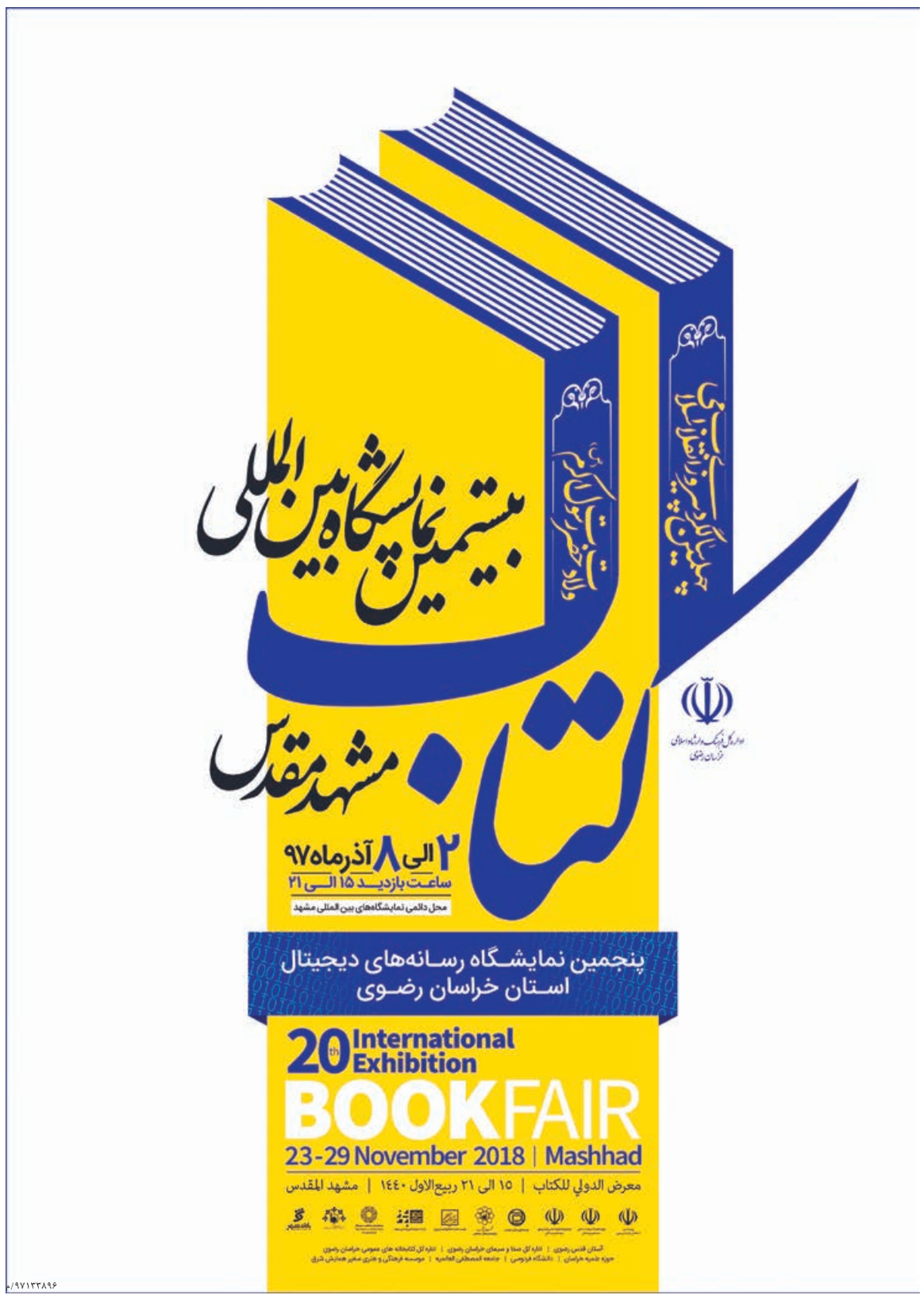
سر سفره شام عیال از مریض هایی که آمده بودن دارو خانه مگفت و مویم از چک های پاس نشده مشتری او صورت وضعیت های تایید نشده شرکت مگفتُم. در کل بحث شیرینی بود مخصوصا بری سر سفره غذا! عیال یَک آهی کیشید و گفت: «می دونی چی هوس کردم الان؟» گفتُم: «نوشابه؟ نه! نوشابه قدغنه!» یَک نگاه اوجوری بهم کرد که از صدتا حرف بدتر بود. فوری گفتُم: «دوغ هم باغذا بده، سبزی خوردن هم ندرم. مخی یَک کاسه شوری بیارُم؟» و مثلا ادای ورخاستن درآوردُم. گفت: «یعنی فکرت فقط تو خوردنیه! مگه آدم فقط خوراکی هوس می کنه؟» گفتُم: «والا آدم سر سفره که لقمه تو دهنشه نِمتنه خفتی طلا یا سرویس آرکوپال یا روبالشتی ترمه هوس کنه!» خندید و گفت: «اتفاقا الان هوس کردم برم یه دل سیر خرید کنم.» گفتُم: «اِنا حالا خوب رفت! ای موقع شب؟» پشت چشم نازک کرد و گفت: «نه که کله سحر و لنگ ظهر و دم غروب توان خرید کردن داریم، فقط الان نداریم!» با ای که مثلا بهم تیکه انداخته بود و باید بهم برمخورد ولی نمدنُم بری چی خنده‌ام گیریفت و گفتُم: «تویم مدنی مو چند وقته چی هوس کردُم؟» عیال پوزخندی زد و گفت: «پیتزا گوشت؟ پیراشکی چرب؟ سالاد الویه پرسس؟ نوشابه یخی؟...» وسط حرفش پریدُم و گفتُم: «حالا نمخواد وسط اشکنه خوردن اسم اینا رو بیاری، مو بی دنگ مدنگُم! اینا رو که همیشه هوس مکنُم، ولی خیلی وقته هوس پول کردُم، پول!» کاملیا خانم در حالی که کاسه های خالی رو مذاشت تو هم گفت: «من این حرفا سرم نمیشه، فردا از سر کار بیا دنبالم می خوام یه دل سیر خرید کنم.» چشمتان روز بد نبینه، فرداش رفتم بازار که ای کاش نمرفتم. عیال مگفت: «نمی دونم چه حکمتیه که قبل از این گرونی ها وسع مون نمی کشید خرید کنیم، ولی الان سه برابر قبل نمی تونیم خرید کنیم!» از یَک طرف هم کاسب ها رو مدیدم که چغوک تو مغاز ه هاشان پر نمزد و هر کدوم یَک گوشی دستشان و خودشانه سرگرم مکردن. یَک ساعت رفتم بیرون، بیشتر از ای که خوش بگذره، غصه خوردم و بری فروشنده ها جوش زدم. قضیه رفتم خانه خاله دلم پوسید شد، افسردگی مان بیشتر شده بود که پیشنهاد دادُم برم یَک بستنی بخورِم بلکه هورمون دوپامین مان ترشح بره و حال مان بیه سر جاش. ولی عیال گفت برِم آب انار بخورِم که کبدمان تصفیه بشه، بهتره. ایم از هوستانه موو عیال!